مسالـهـ¬ی فلسطین و همگرایی جهان اسلام

مسالـهی فلسطین و همگرایی جهان اسلام

زکیه خاکسار[1]

چکیده

همگرایی جهان اسلام به یک صدایی و همسویی کشورهای اسلامی در جهت تامین منافع عموم مسلمین اشاره دارد، که رهایی فلسطین اشغالی و نابودی رژیم غاصب صهیونیستی به عنوان مسایل اول جهان اسلام، می تواند یکی از نمودهای آن باشد. متاسفانه توطئهی استعمار در تقسیم جهان اسلام و القاء تفرقه میان شیعه و سنی امری است که دامنگیر مسالـهی فلسطین نیز شده است و به نظر میرسد چنانچه برای رهایی فلسطین تدابیر عملیاتی واحدی از سوی ملتهای مسلمان اتخاذ نشود، با ادامهی روند فعلی، در آینده با چالش توسعه طلبی یهود و هم□پیمانانش، بحرانهای مهمی در کل جهان اسلام، خصوصا در منطقهی خاورمیانه به وقوع خواهد پیوست.

در این پژوهش تلاش شد، با هدف همگرایی جهان اسلام، شاخصههایی برای حمایت مسلمین در مسالـهی فلسطین ارائه و با استفاده از روش تحقیق کیفی، این مهم دنبال شود. نتیجه این شد که تنها راه احیاء عزت و شوکت مسلمانان و آزادسازی قدس شریف از چنگال تجاوز نظام سلطه، حرکت و حمایت بین المللی تودهی مسلمانان در جهت منافع کلان جهان اسلام و کمک به رهایی فلسطین و مبارزه با سیاستهای سازشکارانهی سران برخی کشورهای اسلامی و اتحادیهی عرب، در قبال رژیم صهیونیستی و امریکاست.

واژگان کلیدی: فلسطین، اسرائیل، همگرایی اسلام

بیان مساله

حضور کمرنگ مسلمانان در عرصههای تصمیم ساز جهانی، بد رفتاری، سرکوب، تجاوز و قتل عام مسلمانان در دنیا آن هم با وجودی که از جمعیت نسبتا بالایی برخوردارند، قدری تامل برانگیز است؛ به طوری که با اندک دقتی در اوضاع کنونی جهان اسلام، نقاط ضعف و خلاهایی دیده میشود که باید هرچه سریعتر مورد واکاوی و درمان قرار گیرند تا حیات تازهای در پیکر اسلام و روح مسلمانان جهان دمیده شود.

هرچند که دین مبین اسلام به عنوان متکاملترین و مترقیترین ادیان آسمانی، حیات فردی و اجتماعی انسان را با افق سعادتمندی دنیوی و اخروی وی ترسیم نموده است؛ اما به طور کلی وضعیت مسلمانان جهان، بیانگر حکایتی تلخ و دور از شان پیروان اسلام ناب محمدی است و مسلمانان غالبا تحت سلطهی مستکبران و استعمارگران در اسارت جسمی و روحی به سر میبرند و برخی همچون مردم مظلوم فلسطین، میانمار، یمن و ... قربانی فجیعترین ظلمهای ضد بشری میشوند.

به راستی مهمترین مسالهی برای رهایی از وضعیت موجود و سیر صعودی رشد و شکوفایی مسلمانان معاصر -چیست و چگونه میتوان زمام حیاتیترین منابع اقتصادی مسلمین را از چنگال غرب بیرون کشید؟ چطور می توان در منازعات مختلف جهان اسلام، از خواستههای دیکته شدهی مستکبران و دشمنان اسلام و مسلمین رهایی یافت؟ و سوالاتی دیگر از این قبیل که همگی گویای چالشهای کنونی جهان اسلام است.

بدون شک راه برون رفت از چالش ضعف جهان اسلام را باید در نصوص دینی اسلام از جمله قرآن کریم جستجو کرد آنجا که خداوند در آیهی 103 سوره ال عمران می فرماید: « وَاعتَصِمُوا بِحَبلِ اللهِ جَمیعًا وَ لاتَفَرَّقُوا...؛ همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید ..» یعنی همگرایی و هم صدایی حول محور توحید و پرهیز از اختلافات، چراکه تفرقه همان عامل گسست و جدایی مسلمانان و مهمترین سلاح دشمنان در پیشبرد اهداف استعماریشان میباشد و البته زمینه ساز همهی مصائب و خون دلهایی است که امروزه بر مسلمانان گوشه و کنار دنیا وارد میشود. در مقابل هر کجا که مسلمانان با تکیه بر قوای درونی خویش راه مبارزه را در پیش گرفته و در برابر زیادهخواهی جهانخواران استقامت ورزیدهاند، سربلند و پیروز بوده و موفقیتهای چشمگیری را بدست آوردهاند.

بنابراین ملتهای اسلامی باید برای احیای قدرت و شوکت مسلمانان در جهان، یکدل و یکپارچه در جهت منافع کلان جهان اسلام حرکت کنند و دست دشمنان را از جان، مال، ناموس و سرزمینهای اسلامی قطع نمایند و در بیعتی دوباره با نبی اکرم 9، امت واحدهی اسلامی صدر اسلام را بار دیگر تحقق بخشند و با احیای برادری اسلامی، رسالت خویش را در جهانی نمودن دین اسلام به ثمر برسانند.

بدون شک عوامل بسیاری را میتوان به عنوان محور همگرایی مسلمانان جهان در نظر گرفت که هر کدام در خور توجه میباشند؛ مسالهی فلسطین نیز میتواند به عنوان عاملی برای همسویی و همصدایی همهی مسلمانان جهان مطرح شود؛ فلسطینی که در اثر بیتوجهی مسلمانان و اکثریت جهان اسلام، محکوم به سال ها اشغالگری، قتل عام و تجاوز شده است و درد و رنج دفاع از بیت المقدس را فقط این ملت مظلوم به دوش میکشند؛ در حالیکه رهایی قدس شریف، آرمانی بین المللی برای مسلمین محسوب میشود و بدون تردید همهی مسلمانان باید سهم خویش را در این جهاد مقدس ایفا نمایند و با عزم و ارادهی جدی تا نابودی اسرائیل، دست از جهاد و مبارزه نکشند.

در این پژوهش اهمیت فلسطین به عنوان مسالهی اول جهان اسلام و شاخصههای همگرایی مسلمین در این خصوص مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فلسطین؛ مسالهی اول جهان اسلام

خدای سبحان در سورهی مبارکه اسراء از مسجدالاقصی و سرزمین فلسطین به مبارکی یاد کرده و عظمت آن را گوشزد میکند. بدین جهت قدس برای مسلمانان یکی از مقدسترین نقاط زمین است؛ زیرا نخستین قبله گاه مسلمین بوده و معراج پیامبر اکرم 9 از این مکان آغاز شده است. همچنین این سرزمین به وسیلهی بسیاری از پیامبران الهی ممتاز گردیده و انبیا آن را بنا کرده و در آن سکونت داشته اند و در هر وجبی از خاک آن یا پیامبری نماز گذارده و یا فرشته ای وارد شده و خدای متعال را تسبیح نموده است. (گروه اقتصاد، 1386)

در منابع اسلامی نیز به فضیلت مسجد الاقصی و اهمیت آن برای مسلمانان اشاره شده است. به طوری که حضرت علی7 در قداست مسجد الاقصی میفرمایند: «أربَعَه مِن قُصور الجنّه فِی الدّنیا المَسجد الحرام و مسجد الرسول9 و مسجد بیت المقدس و مسجد الکوفه» چهار مکان در دنیا از قصرهای بهشت هستند. مسجد الحرام، مسجد الرسول9، مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه» (مجلسی، 1403، 379)

همچنین به فرموده حضرت علی7 «الصَلاَهُ فِی بَیتِ المُقَدّس ألفُ صَلاهٍ؛ یک رکعت نماز در بیت المقدس معادل هزار نماز است». (برقی، 1371ق، 55) و رسول ا9 نیز میفرمایند: «مَن أحرَمَ منَ المَسجد الاقصی إلی المَسجد الحرام بِحَجّه أو عُمرَه، غَفَرَ له ما تَقدّمَ مِن ذَنبِهِ و ما تأخّر ؛ هر کس از مسجد الاقصی به مسجد الحرام برای حج یا عمره احرام ببندد، گناهان گذشته و آیندهی او آمرزیده شود». (مازندرانی، 1429، 634)

در واقع تقدّس بیت المقدس نشان دهنده‌ی تعلق اسلام به سلاله‌ی ادیان توحیدی پیشین و جهان شمول بودن آن است و البته مکه و مدینه در راستای تأکید بر استقلال اسلام، به عنوان دین خاتم اهمیت بیشتری دارند. (توئمی منصوری، 1385)

از طرفی موقعیت جغرافیایی فلسطین، در طول تاریخ این کشور را به صورت گذرگاهی برای بسیاری از ملل دیگر و تمدنهای پیشین درآورده بود، چون سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا را بهم پیوند میدهد. (وزیری کرمانی، 1359، 158)

فلسطین سرزمینی است عربی که از غرب به دریای مدیترانه و از شمال به جمهوری لبنان و از شرق به نهر اردن و جمهوری سوریه و از جنوب به شبه جزیرهی سینا و قسمتی از مصر محدود است (کریمی،37،1387) و در حقیقت فلسطین در قلب خاورمیانه و جهان اسلام جای دارد؛ یعنی در هستهی مرکزی ممالک عربی واقع است که کشورهای عربی آسیا را به کشورهای عرب آفریقا متصل میکند و راه ارتباط و اتصال زمینی جزیره العرب به دریای مدیترانه و اقیانوسها و کشورهای اروپایی به شمار میرود. از این رو تاسیس اسرائیل در فلسطین، جهان عرب را به دو بخش جغرافیایی تقسیم و راه ارتباطی آن را قطع کرده است. (شیرودی، 1385، 25)

در واقع طرح تقسیم کشورهای اسلامی از توطئه های استعمار بود و به دنبال آن تجاوز و غصب سرزمینهای اسلامی با اشغال فلسطین رقم خورد که بدون شک این سیطره به منظور نفوذ در بین کشورهای اسلامی و تسلط بر منابع و ذخایر انرژی و معدنی آنان و از سویی تفرقه افکنی و ممانعت از یکپارچگی جهان اسلام صورت گرفت.

بدون شک مواضع مسلمانان در قبال تجاوزگریهای رژیم غاصب اسرائیل، نقطهی عطفی در دومینوی شکست و یا پیروزی مسلمانان خواهد بود. لذا همگرایی کشورهای اسلامی در اتخاذ سیاستهای حمایتگرانه از ملت مظلوم فلسطین و بازپسگیری قدس شریف از چنگال متجاوزان، نه تنها امری ضروری است؛ بلکه به جهت حفظ منافع کلان جهان اسلام در ابعاد مختلف دینی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی، سیاسی و ... از اوجب واجبات میباشد، به طوری که در پرتو آن حتی فکر تجاوز به حریم مسلمانان اقلیتی در اقصی نقاط جهان نیز به ذهن مستکبران خطور نکند.

بنابراین مسالهی فلسطین، مسالهی اول بین المللی است و بزرگترین وظیفهی ملتها و دولتهای مسلمان، حمایت از این مبارزات است (بیانات مقام معظم رهبری،10/3/1363) و غدهی سرطانی اسرائیل را تنها از

طریق همین مبارزات میتوان ریشه کن ساخت و جهان اسلام را از خطرات مهلک آن نجات داد.(بیانات مقام معظم رهبری،10/3/1361)

شاخصه های همگرایی جهان اسلام در مسالهی فلسطین

فلسطین یکی از عناصر تشکیل دهندهی هویت مسلمانان در خاورمیانه است و از مبادی اصلی موج جدید بیداری اسلامی میباشد. در جایی که اصلی ترین انگیزهی استعمار غرب در هجوم به کشورهای اسلامی از مبانی اعتقادی و دینی نشات میگیرد، در برابر باید جهان اسلام با بازگشت به اسلام و تمدن و هویت اسلامی خویش و اسلامی کردن مبارزه با صهیونیسم، به جای عربی دانستن آن، به رویارویی با صهیونیسم جهانی بپردازد. (توکلی، 1394)

یهودیان صهیونیست جماعتی تروریست خون ریز هستند که معتقدند گروه برگزیدهی خدا بوده و خداوند آنها را بر همهی ملتهای جهان برتری داده است و برای آنها ارتکاب هر نوع جنایتی را برای رسیدن به اهداف تجاوزگرانهشان روا دانسته است و از این رو به راحتی انسانها را میکشند و به کودکان، زنان و حتی سالخوردگان رحم نمیکنند، حرث و نسل را نابود میکنند و سرزمینها را غصب و صاحبان آن را با بیرحمی تمام آواره مینمایند.(حمدالفتلاوی، 1385، 84)

بدون تردید انتفاضه که در حقیقت بازگشت به هویت و ارزشهای اسلامی را در سرزمین فلسطین تبدیل به هویت اسلامی آنها نموده است، از عشق و شور و نشاط مردمی حکایت میکند که عظمت و عزت خود را در مقاومت و شهادت در راه خدا میجویند؛ ملتی که به تعبیر قرآن خدای سبحان فریادهای ظلم ستیزانهی آنان را دوست دارد « لایُحِبّ ُ اللهُ الجَهرَ بِالسّ ُوءِ مِن القَولِ اِ ّ َلا مَن ظُلِمَ.. ؛ خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیهای دیگران را اظهار کند؛ مگر آن کس که مورد ستم واقع شده است... » (نساء/148) و تمامی مسلمین را به دفاع از آنان فرا میخواند. جذبهی این قیام و مقاومت به حدی است که توانسته تمامی مسلمانان را در سراسر جهان به حمایت و دفاع از این خیزش وادارد. (گروه اقتصاد، 1386)

در حقیقت مسالهی فلسطین و محو رژیم غاصب اسرائیل از جنبههای مختلفی میتواند موجبات همگرایی مسلمانان سراسر جهان را در جهت منافع مشترکشان فراهم آورد و بدون شک یکصدایی امت اسلامی با هر فرقه و نژادی را میتوان به عنوان مهمترین عامل در جهانی سازی دین اسلام، بازدارندگی مستکبرین در ظلم و ستم به مسلمین و حفظ منافع مسلمانان قلمداد نمود؛ لذا در ادامه به برخی از شاخصههای

همگرایی جهان اسلام در حمایت از رهایی فلسطین اشاره خواهد شد.

1. پاسداشت قبله‌ی اول مسلمانان

سرزمین فلسطین و «قدس شریف» خاستگاه پیامبران و سرزمین دعوتهای آسمانی آنان بوده و در هر وجب آن، یک رسول الهی گام نهاده و به آن سرزمین حرمت بخشیده است. در قداست قدس که مرکز این دعوتهای پیاپی بوده، همین بس که قبلهی اول مسلمین و حرم سوم (پس از مکه و مدینه) و از شرافت و ارج بسیاری برخوردار است. (محدثی، 1387، 25) مسجد الاقصی، واقع در شهر مذهبی بیت المقدس، مسجدی است که از دیرباز تا کنون مورد توجه مسلمانان و دیگر ملت‌هاست. اهمیت این مکان مقدس به اندازهای است که می تواند برای تمامی مسلمانان جهان، مرکز همگرایی و نقطه‌ای حرکت آفرین باشد؛ چرا که نبی مکرم اسلام9 در این باره می‌فرماید: «لاتَشدّ ُ الرِّحال إلّا ثلاثَه مَساجد، مسجد الحرام، و مسجدی هذا و مسجد الاقصی؛ جز به سوی سه مسجد یعنی مسجد الحرام و همین مسجد (مسجد النبی) و مسجد بیت المقدس آهنگ سفر نکنید»(دروزه،1383، 376) و همین روایت با ذکر مسجد بیت المقدس نیز آمده است. (مجلسی،1403، 28)

بدون شک چنان چه منظور حضرت برای سفر به این اماکن مقدس، بهره مندی معنوی مسلمانان باشد، آن جا که حفظ حرمت و قداست این مساجد و دفاع از کیان اسلام، مقدسات دین و جان و مال و آبروی مسلمین ساکن در این مناطق به میان بیاید، به طریق اولی سفر کردن به چنین اماکنی اولویت و ضرورت پیدا می‌کند.

سوره اسراء در آیات افساد بنی اسرائیل، توجه خاصی بر موضوع «مسجد» دارد و آن را هدف مهم و استراتژیک مجاهدانی می‌داند که کیفر الهی را در هر دو مرحله‌ی نبرد علیه فساد بنی اسرائیل، بر یهود جاری می‌سازند؛ به طوری که خداوند فرموده است: «... فَإِذا جاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوؤُا وُجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَما دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ... ؛ .. و هنگامی که وعدهی آخر فرا میرسد آثار غم و اندوه در چهرهی شما ظاهر میشود و آنها داخل مسجدالاقصی میشوند همانگونه که بار اول وارد شدند.. » (اسراء/7) تمرکز بر مسجد در هر دو مبارزه و اصرار جنگ جویان بر ورود به آن در هر دو مرحله، نشان می‌دهد که این مکان مقدس، محور اصلی درگیری سیاسی-نظامی یهودیان و مسلمانان است.

رسول اکرم9 نیز به مسأله تجهیز کردن بیت المقدس توسط مسلمین اشاره می‌فرمایند به طوری که از میمونه مولاه النبی نقل شده است که «قلت یا رسول اللّه أفتنا في بيت المقدس فقال ائتوه فصلّوا فيه فإن لم تأتوه و تصلّوا فيه فابعثوا بزيت يسرج في قناديلها؛ گفت یا رسول ا9 به ما درباره‌ی بیت

المقدس فتوا دهید، حضرت فرمودند: بروید و نماز را در آن بگذارید و اگر استطاعت رفتن به آنجا و نماز در آن را نداشتید، روغن زیتی برای آن هدیه نمایید که در چراغ آن بیفروزند»(دروزه، 1383، 357)

با دقت در اخبار مربوط به مجاهدان زمینه ساز ظهور حضرت مهدی7 و در لشکرکشی و نبرد تاریخی آنان از مشرق زمین به سوی فلسطین، با هدف آزادسازی آن از دست یهود اشغالگر در می یابیم که مهم‌ترین هدف مبارزاتی این مجاهدان، تلاش برای رسیدن به مسجد الاقصی در فلسطین است. (حمد الفتلاوی، 1385، 238) حضرت علی7 نیز در این باره می‌فرمایند: «یَخرُجُ رَجُلٌ قَبلَ المَهدی مِن اهل بَیتِه بِاهلِ الشَّرقِ ... یَتَوجَّهُ الی بیت المُقدَّس؛ قبل از قیام مهدی مردی از خاندان او در مشرق زمین قیام می‌کند ... و به سوی بیت المقدس رهسپار می‌گردد.» (ابن طاووس، 1416، 139)

در روایات از قول رسول اکرم9 آمده است « یَکُونُ فی بَیتِ المُقَدَّس، بیعَه هدی» (ثقفی، 1395، 382) یعنی بعد از آزادی قدس، حضرت مهدی(عج) این شهر را پایتخت دولت اسلامی قرار می‌دهد و نیروهای مجاهد خود را از این شهر برای فتح سایر مناطق جهان و تسلیم آن‌ها در برابر دولت جهانی خویش، اعزام می‌نماید. (حمد الفتلاوی، 1385، 292)

بنابراین بیت المقدس معاصر ظهور امام زمان 7از چند جهت مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از آن جهت‌ها، وقوع نبردی بزرگ در آن، میان سر سخت ترین دشمن امام7 و آن حضرت است. (حاجتی، 1387) پس مسلمانان در هر ملیت و مذهبی که باشند باید در پاسداشت قبله‌ی اول خویش حرکتی وحدت آفرین را آغاز نمایند و حتی در صورتی که توانایی حضور فیزیکی و سفر به قدس شریف را نداشته باشند باید در تجهیز مسلمانان فلسطین و یا کمک‌های معنوی و دیپلماسی برای فشار به رژیم اشغالگر قدس، یک دل و یک صدا شوند.

2. تحقق امت واحده (دارالاسلام در برابر دارالکفر)

امت اسلامی یک مجموعه‌ی عظیم با مسائل مبتلا به و دردهای مشترک، با دشمنی‌های مشترک و درمان‌ها و راه حلهای مشترک است، به عبارتی امت اسلامی به مجموعه‌ای کلان از انسان‌های هم مسلک اطلاق می‌شود که ورای ایرانی بودن، مصری بودن، عراقی بودن و ... سرنوشت مشترکی دارند. (نوایی، 1386)

نبی مکرم اسلام9 نیز با توجه به شناخت کامل خویش از قبیله سالاری عرب و به طور کلی تفاوت‌های ذاتی

میان مسلمانان با ارائه تعابیری دقیق از این اختلاف‌ها، نه تنها تضادهای قبیله‌ای و نژادی را عاملی برای جدایی و تفرقه معرفی نمی‌کنند، بلکه وجود این تنوع نژاد، قبیله و فرهنگ را ابزار برقراری قرابت دینی معرفی می‌کنند. (ارجمندفر، 1387) و در حدیثی معروف ضمن اشاره به اختلاف سرزمین‌های اسلامی، این تفاوت‌ها را رحمت الهی دانسته و می‌فرمایند: «اختلافُ أمّـَتی رَحمَه» (بحرانی، 1374، 869) یعنی چه بسا تفاوت های فردی و گروهی مسلمانان زمینهی رشد و شکوفایی آنان را فراهم آورد. البته در تفکر دینی هرگز مراد از وحدت کنار گذاشتن سایر مذاهب نیست، بلکه وحدت اسلامی به کارگیری ابزار تحقق امت واحده، به عنوان یک آرمان نهایی در سطوح جوامع در جهان اسلامی خواهد بود. اسلام آماده است تا تمام ملل دنیا اعم از عرب، عجم، ترک، فارس و ... همه را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام را در دنیا برقرار کند. (قاسمی، 1393)

بدون شک تشکیل چنین قدرتی در عصر حاضر که بتواند تکثیر دولت‌ها را نیز برتابد و در عین حال بستر را برای حکومت جهانی اسلام آماده سازد، احیای پدیده‌ی امت اسلامی است. بر اساس آموزه‌های قرآنی، جهان هستی و افراد انسانی را خدای یگانه آفریده است و خلقت انسان نمودی از روح خداوندی است که به سوی او نیز بازگشت می‌کند.

از سوی دیگر آیات قرآن اجازه نمیدهد که قومیت منشاء به وجود آمدن اجتماع باشد و تشکیل یک اجتماع بر این اساس قرار گیرد، زیرا این عامل سبب پراکندگی و تشتت انسان ها میشود. این دو نگرش قرآن، به این حقیقت منجر می‌شود که بشر، جامعهی واحدی تشکیل دهد که دیگر برای ابعاد جغرافیایی و قلمروهای سیاسی ارزش قائل نشود؛ بلکه همه جهانیان را به یک دین فرا خواند. این آموزه وحدت گرا و شمول گرای اسلام جهت تحقق بخشیدن به فرایند جهانی شدن، خود مستلزم تشکیل امت واحد است و بر اساس آموزه‌های قرآنی امت به گروهی اطلاق می‌شود که هدف واحد آنان را گرد هم آورده است، این موضوع در خصوص امت اسلامی عبارت است از «نظم جهانی محصور در جماعتی کامل از مسلمانان ساکن کره زمین که با تعهد نسبت به آموزه‌های اسلام متحد شده‌اند» (کاشفی، 1387، 225)

قرآن کریم نیز مسلمانان را به امت واحده تعبیر نموده و می‌فرماید: «إنّ‌َ هذهِ أمّـتکُم أمة واحِدَة و أنَا ربّکُم فَاعبُدون؛ همانا این امت شما، امت واحدهای است و من پروردگار شماهستم، پس مرا پرستش کنید.» (انبیاء/92) پیامبر 9 نیز پس از هجرت به مدینه، وحدت سیاسی- اجتماعی را بر پایه‌ی اخوت ایمانی برقرار ساخت و نشان داد که وحدت حقیقی ناشی از الفت و وحدت بین جان‌ها و قلب‌هاست. (سیدی، 1386) به همین منظور رسول اکرم9 تدوین منشور مدینه را این گونه شروع کردند: «هَذَا کِتَابٌ مِن مُحَمّـَدِ بن عَبداللّه نَبِی المُومِنین قُرَیش وَ یَثرِب وَ مَن تَبعهم و

لَحِقَ بهِم و جَاهِد معهُم انّهم امه واحده مِن دونِ النّاس؛ این نوشته ای است از محمد9 پیامبر میان مومنان و مسلمانان از قریش و یثرب و کسانی که از آنان پیروی کرده و به آن‌ها ملحق شده‌اند و با آنان در جهاد شرکت نموده اند. اینان جدای از سایر مردم، امت واحد می‌باشند.» (احمدی میانجی، 1419، 15)

در حقیقت تشکیل امت واحده اسلامی لزوما و در ابتدای امر، به معنای این نیست که مرزهای جغرافیایی حذف گردیده و همهی سرزمین‌های اسلامی با مرکزیت واحد اداره گردند، بلکه به این معناست که همه مسلمانان که قریب یک سوم جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند، بر مبنای نقاط مشترک خود، در عمل اجماع کرده و هماهنگ با هم در جهت عملیاتی کردن آرمان‌های قرآن و رسول9 و منافع دنیای اسلام به حرکت در آیند. چه اگر ظرفیت عظیم دنیای اسلام و غنای تفکر و اندیشهی اسلامی با هم سویی و هم گرایی مسلمانان همراه گردد، قطعاً فضای بین المللی را دستخوش دگرگونی‌های عمیق خواهد کرد. (شجاعی،1389)

بنابراین اختلافات مذهبی به هر شکل و به وسیله‌ی هر عاملی که ایجاد گردد در بسیاری موارد، نزاع‌ها و یا جنگ‌های ویرانگری را به دنبال خواهد داشت و عدم توفیق مسلمانان در جهانی ساختن دین اسلام به شکل ملموس محصول همین نزاع‌های درون دینی است و طی قرون اخیر سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن چه در عمل و چه در اندیشه، از سیاست‌های قدرت‌های استعماری بوده تا میان صفوف واحد مسلمانان شکاف ایجاد نماید. (رفیعی، 1387)

لذا اتحاد امت اسلامی در دفاع و حمایت از فلسطین اشغالی میتواند عامل بسیار مهمی برای خنثی سازی توطئه های دشمنان در القاء دشمنی بین شیعه و سنی و نمایانگر همگرایی جهان اسلام در برابر متجاوزان و مستکبران جهانی باشد؛ چرا که تنها دولت شیعی جهان یعنی ایران به عنوان بزرگترین حامی مسلمانان اهل تسنن در فلسطین، سمبلی از این حرکت وحدت آفرین بوده و هست و چنانچه سایر دولت های عربی و اسلامی نیز در کنار یکدیگر به پشتیبانی از فلسطین، سیاست های همگرایانهای اتخاذ نمایند و در این راه استقامت بورزند؛ برای اسرائیل چارهای جز عقب نشینی و شکست زود هنگام باقی نمیماند و منافع مسلمانان جهان نیز از تاراج استعمارگران محفوظ خواهد ماند.

1. صیانت از ارزش‌های الهی و انسانی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های قوم یهود، دشمنی با اهل ایمان است به طوری که موجودیت و بقای این گروه، به مخالفت، توطئه و سرکوب مسلمانان در طول تاریخ بسته است. از این رو از دیدگاه قرآن،

یهودیان بیشترین دشمنی را با مومنان داشته اند: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَداوَةً لِلَّذینَ آمَنُوا الْیَهُودَ وَ الَّذینَ أَشْرَکُوا...؛ به طور مسلّم، دشمن ترین مردم با مومنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت» (مائده/82) و تاریخ اسلام به خوبی گواه این حقیقت است زیرا در بسیاری از صحنه‌های نبردهای ضد اسلامی، یهودیان به طور مستقیم یا غیر مستقیم دخالت داشتند و از هر گونه کارشکنی و دشمنی خودداری نمی‌کردند. (پاک نیا تبریزی، 1387)

صهیونیست ها به این مطلب پی برده اند که اسلام واپسین دین آسمانی و کامل ترین ادیان موجود است و اگر به اصول و مبانی آن عمل شود، منافع مستکبران به ویژه صهیونیست ها به خطر خواهد افتاد؛ به این جهت با تمام قوا به مبارزه با ادیان الهی به ویژه اسلام پرداختند. خداوند در قرآن نیز خطاب به رسول ا 9به این مساله اشاره نموده و می فرماید: «وَ لَنْ تَرْضی عَنْكَ الْیَهُودُ وَ لاَ النَّصاری حَتَّی تَتَّبِعَ مِلَّتَهُم؛ یهودیان و مسیحیان از تو خرسند نخواهند شد مگر این که به آیین آن‌ها در آیی» (بقره/120) همچنین در آیهای دیگر اینگونه آمده است: «وَ لا یَزالُونَ یُقاتِلُونَکُمْ حَتَّی یَرُدُّوکُمْ عَنْ دینِکُمْ إِنِ اسْتَطاعُوا؛ آنان همچنان ضد شما به نبرد می‌پردازند تا بتوانند شما را از دینتان جدا کنند». (بقره/ 217)

بنابراین هدف آشکار است و آنان قصد دارند با از میان بردن اسلام، مسلمانان را بار دیگر به سمت کفر و شرک ببرند به همین منظور صهیونیستها شالوده فراماسونری جدید را در قرن هجدهم میلادی بنا نهادند و به اعتراف خود آن‌ها، سازمان‌های فراسونری را برای تضعیف ملت‌ها و برتری بر ایشان ایجاد کردند. اصولا صهیونیست ها به هیچ دینی –حتی دین یهود- پایبند نیستند و ادیان را به طور کلی خرافی، پندارباقی و موهوم میدانند و یکی از هدفهای آنان دین زدایی است. در واقع صهیونیستها و فراماسونها از مخالفان سرسخت ادیان و باورمندیهای دینی هستند. آنها به ظاهر مبارزه با خرافات و کهنهپرستی را از اهداف خود وانمود میکنند لیکن ستیز با ادیان به ویژه دین اسلام از برنامههای استراتژیک آنان است و از بزرگترین و آرمانیترین خواستههای آنان رواج دادن مادی گرایی(ماتریالیسم) و پس راندن اندیشههای سازنده و آزادی بخش دینی میباشد. انکار صانع، وحی و نبوت، نیز انکار بقای ارواح و بهشت و دوزخ و انکار جهان ماوراء الطبیعه و فرشتگان از اندیشههای زیربنایی صهیونیستها و فراماسونهاست. (روحانی،1390)

در واقع اصل اساسی پروتکل یهود که عامل تدوین آن «سازمان فراماسونری» است، زدودن دین از جوامع بشری به شمار می‌رود. صهیونیسم سرّ توفیق خود را در این مسأله می‌داند و می‌کوشد که این مهم را به انجام برساند. آنان می‌گویند: از همین رو لازم است که ما ایمان به مذهب را ریشه کن نماییم... و

به جای آن، ارقام، محاسبات و موضوعات مادی را جایگزین سازیم .... تا تمام ملل در صدد منافع خصوصی خود بر آمده و برای اغراض شخصی مبارزه نموده و توجهی به دشمن مشترک خود نداشته باشد. (جدید بناب، 1386، 57) همچنین باید خصایص خوب انسانی مانند حیا، شرم، نجابت، شرافت، عصمت، ناموس و تقوی را به وسیله‌ی قهرمانان، هنر پیشگان، خوانندگان، مربیان، آموزندگان و ادارات آموزش و پرورش در هر کشور از مغزها بیرون کشید؛ زیرا در اجتماع امروز این چیزها مفهومی ندارند. (وزیری کرمانی، 1359، 277)

در حقیقت ناتوی فرهنگی آنان، اهدافی چون چند دستگی و تقابل و تضارب و نهایتاً جنگ بین قوای اسلامی، نابودی هویت ملی جوامع بشری به ویژه مقابله با ایمان انسان‌هایی است که مصمم هستند از هویت دینی و ملی خود، شرافتمندانه دفاع کنند و غلبه بر فرهنگ و ارزش‌ها و اصالت‌های جهان اسلام را برای دیکته کردن تعریف خود و شکل دهی هویت جهانی بر پایهی اندیشه سکولار دنبال می‌کند. (صیاد نژاد، 1387)

در همین راستا دولت اسرائیل، اولین دولتی بود که فرقهی ضالهی بهائیت را به عنوان یک دین به رسمیت شناخت و سرزمین فلسطین را به عنوان مرکز اصلی جامعهی بهائیت پذیرفت و حامی و پناهگاه آنان شد. (نصوری، 1385)

اگر چه که دشمنان هر چند با قشون و قدرت بسیار خود بتوانند تمام سلاح‌های تبلیغاتی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، صنعتی، غذایی، علمی را در چنگ بگیرند؛ نمی‌توانند دین خدا را ریشه کن کنند. با وجود این، مسلمانان نیز وظایفی بر عهده دارند و نباید از کردار و رفتار دشمنان غافل بمانند. (علی جدید بناب، 1386، 75) بلکه باید با یک نظام متحد و منسجم، در برابر متجاوزان به دین الهی، قیام نمایند.

بنابراین حمایت از فلسطین به عنوان شاخصهی همگرایی جهان اسلام، عامل بسیار مهمی در ریشه کن کردن توطئههای صهیونیستها و هجمههای اعتقادی آنان نسبت به اسلام و منحرف کردن مسلمانان از معارف ناب میباشد و کشورهای اسلامی با لبیک گفتن به ندای ملت فلسطین و اتخاذ سیاستهای حمایت کننده از انتفاضه، علاوه بر تامین منافع مادی و دنیوی عموم مسلمین، در جهت بهرهبرداری معنوی و اخروی ناشی از پیاده شدن اسلام حقیقی و سیطرهی آن در جهان نیز، گامهای موثری برخواهند داشت.

2. وجوب جهاد دفاعی و حمایت از مظلوم

اسلام، سعادت انسان در کل جامعهی بشری را یکی از اهداف خود برمیشمارد و استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را حق همهی انسانها میداند. بر همین اساس هیچ مسلمانی نمیتواند نسبت به تجاوز به حقوق انسانها و مظلومیت بیگناهان بیتوجه باشد. (شجاعی،1389) این مهم وظیفهی بشر دوستانهی هر مسلمانی نسبت به هر انسانی است و آن جا که عدهای مسلمان مظلوم واقع میشوند، این مسئولیت خطیر اهمیتی مضاعف پیدا میکند به طوری که حضرت ختمی مرتبت 9نیز در این باره میفرمایند:

«مَن اَصبَحَ و لَم یَهتَمّ َ بامور المسلمین، فلَیسَ بِمُسلِمٍ و مَن سَمِعَ رجلاً ینادی یا لَلمسلمین فَلَم یَجِبهُ فَلیسَ بِمُسلم؛ هر کس صبح کند در حالی که نگران امور مسلمانان نباشد، مسلمان نیست و هر کس ندای مسلمانی را بشنود که یا للمسلمین و جواب او را ندهد، مسلمان نیست.» (کلینی، 1407، 164)

یعنی شرط پذیرش حقیقی اسلام، رسیدگی به امور مسلمانان و دغدغه مندی برای سعادت امت اسلامی است و در این میان، امت اسلامی ملاک عمل قرار گرفته و اسلام دینی جهانی است و مسلمان نیز باید اندیشهای جهانی داشته باشد تا بتواند در جهانی شدن دین اسلام، نقش ایفا کند.

در واقع مرزبندیهای جغرافیایی از ترفندهای دشمنان و سلاطینی است که سابقاً بر امت اسلامی تحمیل شده و هرگز نباید مانع بسط و گسترش روحیهی جمعی مسلمانان سراسر جهان شود چرا که اسلام بر قلبها سیطره داشته و مرزبندی جغرافیایی در آن جایی ندارد. لذا مسالهی فلسطین از لحاظ اسلامی برای همهی مسلمانان یک مسالهی اساسی و یک فریضه است. همهی علمای شیعه و سنی، گذشته و قدما، تصریح دارند که اگر بخشی از میهن اسلامی در تصرف دشمنان اسلام قرار گرفت، اینجا وظیفهی همه است که دفاع کنند تا بتوانند سرزمین های غصب شده را برگردانند. وجوب عینی جهاد دفاعی درقضیهی فلسطین واضح است. جهاد ابتدایی واجب کفایی است؛ اما در غیر این مورد جهاد دفاعی که اظهر مصادیق دفاع هم هست، واجب عینی است.(خامنهای، 1392، 265)

بنابراین هرکس هرطور و به هرکیفیتی که میتواند در قبال مسالهی فلسطین وظیفه و مسئولیت دارد. از جمله مانورهای عظیم مسلمانان در حمایت از ملت مظلوم فلسطین علیه اشغالگران صهیونیستی، آخرین جمعهی ماه مبارک رمضان یعنی روز قدس است که با تدبیر بنیانگذار انقلاب اسلامی جهت هم پیمانی با تمام ملتهای اسلامی در این جهاد مقدس تا نابودی غدهی سرطانی اسرائیل بنا نهاده شد. در واقع روز قدس، روز آزمایش بزرگ ملتهای مسلمان است؛ آن روزی است که ملتهای مسلمان بیواسطهی مقامات رسمی، حرفشان را در دنیا مطرح میکنند(بیانات مقام معظم رهبری،29/7/1384) یعنی روز تصمیم و همت گماشتن

بر فداکاریها و پیروزیهای آینده است. (بیانات مقام معظم رهبری، 17/5/1359)

3. ظلم ستیزی و مبارزه با استکبار

استکبار ستیزی به معنای عدم پذیرش استکبار و سلطهی کافران، یکی از ارزشهای اسلام است؛ چنانچه در قرآن کریم آمده است: «.. ولَن یَجعَلَ اللهُ لِلکافرینَ عَلَی المُومِنینَ سَبیلاً؛.. خداوند هرگز راهی برای تسلط کافران بر مومنان قرار نداده است» (نساء/141) بنابراین مسلمانان و مومنان نباید سلطهی کافران را بر خود بپذیرند، بلکه باید در مقابل استکبار و سلطهی آنان بایستند و مقاومت کنند. (ابوطالبی، 1384)

از آن جا که اسلام دینی متکامل و اجتماعی است؛ سعادت و سلامت فرد را مرتبط با جامعه میداند و همگان را برای برقراری آرامش و ثبات اجتماعی در جامعهی اسلامی فرا میخواند لذا خداوند در قرآن میفرماید: «إِنَّ الَّذِینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلائِکَةُ أَلَّا تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي کُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ کسانی که گفتهاند پروردگارمان خدای یکتاست و سپس پایداری کردهاند فرشتگان بر آنها فرود آیند که بیم مدارید و غم مخورید و به بهشتی که به شما وعده داده شده است شادمان باشید».(فصلت/30)

یعنی امت اسلامی چنانچه پس از ایمان به خدا، در برابر هجمه ها و توطئه های دشمنان و سختیها و مشکلات استقامت بورزند؛ پس ثمرات این استقامت ورزی در دنیا نیز شامل آنان خواهد شد و نباید از ایستادگی در برابر قدرتهای جهان خوار هراسی به دل راه دهند و البته همواره با رصد کردن اوضاع سایر مسلمانان، از رخنهی هر نوع گزند و آسیبی که منجر به تضعیف توان روحی و یا توان دفاعی، اقتصادی، سیاسی و ... امت اسلامی شود ممانعت کنند.

حضرت علی7 در این زمینه میفرمایند: «جاهِدوا في سَبیلِ اللهِ بأَیدیکُم فَإنْ لَمْ تَقدِروُا فَجاهِدُوا بِأَلْسِنَتِکُم فَاِنْ لَم تَقدِروُا فَجاهدوُا بِقُلوبِکُم؛ در راه خدا با دستها (و جوارحتان) جهاد و مقابله کنید و اگر نتوانستید با زبانتان و اگر نتوانستید(لااقل) با دلهایتان مجاهده نمائید(نسبت به دشمن احساس دشمني و انزجار داشته باشید)».(نوری، 16،1408) یعنی اسلام برای ایجاد و حفظ شوکت و عزت اسلام و مسلمین به جهاد زبانی و قلبی و یدی و بذل مال و جان در این راه امر نموده و عزت مسلمین را تنها در گرو داشتن روحیهی جهادی و در صورت لزوم، جهاد و پیکار با

دشمنان می‌داند؛ چرا که اسلام دین مجاهدپرور است و شعار «هیهات مِنّا َ الذّلّه؛ تن به خواری و ذلت دادن، از ما به دور است» (ابن شعبه حرّانی، 1404، 58) حسین بن علی7 سرلوحه و نماد مقاومت اسلامی است؛ لذا حضرت علی 7 ذلت، خواری، تسلیم و سازش را از مسلمانان برنتابیده و می‌فرمایند: «الجِهادُ عِمادُ الدّ ِینِ و مِنهاجُ السّ ُعَداءِ ؛ جهاد در راه خدا، استوانة دین و راه درخشان مردمان سعادتمند است» (تمیمی آمدی،1366،333)

از همین رو اسلام خیمه گاه مسلمانی را بر پایه‌ی جهاد بنا نموده و آن را پشتوانه‌ی عزت و حفظ و حراست از کیان مسلمانان قرار داده است؛ به طوری که حضرت زهرا3 درباره فلسفهی جهاد می‌فرمایند: «جَعَلَ ا ُ الجِهادَ عزّا ً لِلاسلامِ ؛ خداوند جهاد را مایهی عزت و سرافرازی اسلام قرار داد». (ابن بابویه، 1413، 568)

خصوصا در عصر حاضر که تمام نیرنگ‌ها و ددمنشی‌های دشمنان خصوصا آمریکا و اسرائیل، مسلمانان را نشانه گرفته است یکی از مهم‌ترین راه‌های برون رفت از وضعیت اسف بار برخی مسلمانان از قبیل مسلمانان فلسطین، یمن، میانمار و ... پرورش و تقویت روحیه‌ی شهادت طلبی و مجاهدت در تمامی مسلمانان است تا بیداری و وحدت مسلمین منجر به مانور جهادی آنان در سرتاسر عالم و مقدمه‌ای برای جهاد در آخرالزمان شود؛ همانگونه که در روایات نقل شده که « ا َلا خَیر الجهادِ فِی آخِرِ الزّ َمَان؛ آگاه باشید که بهترین جهادها در آخر الزمان است». (مجلسی،1403، 991)

تا آن جا که یکی از مقدمات ظهور حضرت مهدی 7و منجی عالم بشریت بر پیکار و جهاد استوار گردیده و رسول اکرم9 در خصوص تداوم داشتن نبرد بین اسلام و کفر و حق و باطل می‌فرمایند: «و الجهادُ ماضٍ مذ بعثنی ا ُ الی ان یقاتل آخر امّتی الدّجال؛ جهاد همچنان ادامه دارد از آن روزی که خدا مرا مبعوث کرده تا زمانی که نسل واپسین امت من با دجال پیکار کند».(العروسی الحویزی،1415،30)

بنابراین ظلم ستیزی در مسالهی فلسطین میتواند یکی از مهمترین شاخصههای همگرایی مسلمانان باشد و روحیهی ایثار، جهاد و شهادت طلبی را در میان همهی مسلمانان جهان برانگیزد تا مردم فلسطین از حمایتهای مالی، فکری، عملیاتی، جانی و ... مسلمین جهان بهرهمند گردند که همین مهم یکی از رموز پیروزی انتفاضه خواهد بود و الگوسازی آن در سایر کشورهای اسلامی به عنوان نقطهی عطف پیروزیهای مسلمانان بر کفار و منافقین، حائز اهمیت به سزایی است.

4. ممانعت از شکل گیری خاورمیانهی جدید

خاورمیانه با بهره مندی از ذخایر عظیم نفت وگاز، موقعیت ژئوپلتیک و استراتژیک و ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی دارای اهمیتی بسیار است که تقریبا شامل ایران، ترکیه، عراق، سوریه، لبنان، اردن، فلسطین اشغالی، شبه جزیره سینا، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، عمان، قطر، کویت و یمن میباشد و همواره عرصه‌ی تاخت و تاز قدرت‌های استکباری بوده است. (شیرودی، 1385، 75) بهطوری که همواره یکی از اهداف غرب و جامعهی استعمارگران جهانی، دستیابی آسان به نفت و گاز فراوان و ارزان خاورمیانه و از سوی دیگر، جذب دلارهای نفتی از طریق افزایش صادرات کالا به کشورهای نفت خیز بوده است. افزون بر این، حفظ رژیم‌های وابسته که زمینه و بستر عرضه‌ی نفت ارزان و فروش گران کالاهای غرب به ویژه تسلیحات را فراهم می آورند، به شدت مورد علاقه استعمارگران است. از طرفی یکی دیگر از علایق غرب در خاورمیانه، حفظ و تقویت اسرائیل است. چرا که اسرائیل می‌کوشد با تخریب فرهنگ انسانی، کارشکنی اقتصادی، رخنه در دستگاه‌های امنیتی، مشارکت در سرکوب جنبش‌های آزادی بخش، گسترش خدمات نظامی، اعمال جاسوسی و اعطای کمک‌های مالی، راهی برای نفوذ آمریکا در اسرائیل، آفریقا و آمریکای لاتین بگشاید. (شیرودی، 82،1385)

میتوان گفت اسرائیل امتداد قلمرو اراضی غرب با همه‌ی ویژگی‌هایش در شرق، تجسم یکی از ایالت‌های آمریکا در خاورمیانه، صحنه‌ی تئاتری برای نمایش و القای فرهنگ غرب در جامعه‌ی جغرافیایی مسلمانان، ابزاری برای مجازات کشورهای مخالف آمریکا، معبری برای صدور کالاهای غربی به آفریقا و آسیا، محلّی برای آزمایش سلاح‌های غرب و نیز سر پل غرب در قلب جهان عرب و سرزمین اسلام محسوب می‌شود. این ویژگی منحصر به فرد اسرائیل را به کانون واقعی قدرت سیاسی جهان و کانون نظامی استراتژیک تسلط بر جهان در آورده است. (شیرودی، 1385، 83)

در واقع سلطه جویی رژیم صهیونیستی پشتوانه‌ای اعتقادی دارد به طوری که در آموزه‌های اعتقادی آن‌ها بر این نکته تأکید شده است که دامنه‌ی حکومتی یهود از نیل تا فرات را شامل می‌شود و اگر به آن‌ها میدان داده شود، به این هم بسنده نکرده، سیطره بر دنیا را ادعا خواهند کرد. مطرح کردن کشور اسلامی فلسطین به صورت سرزمین موعود میان روشنفکران یهود، از ترفندهای خاندان روچیلد برای سلطه بر منطقهی راهبردی خاورمیانه و نفوذ میان ملل اسلامی بود و در اواسط جنگ جهانی اول، مأموران دولت وقت آلمان، در آرشیو خانوادگی خاندان روچیلد در شهر فرانکفورت نقشه‌ای را یافتند که به نام کشور اسرائیل طراحی شده بود و شامل سرزمین‌های مصر، شبه جزیره سینا، فلسطین، لبنان، سوریه، اردن، عراق، شمال عربستان و مکه و مدینه بود. چنان که اقدامات توسعه طلبانهی اسرائیل در خاورمیانه امروزه به طور کامل با آن نقشه منطبق است. (جدید بناب، 1386، 321)

امروزه دیگر کاملا روشن شده است که قضیه فلسطین، یک امر مقطعی و محدود به بخش کوچکی از جهان اسلام نیست، ذخایر عظیم سلاح‌های هسته ای و کشتار جمعی ذخیره شده در زرّادخانه های رژیم صهیونیستی برای مقابله با مردم بی دفاع فلسطین نیست، بلکه برای برقراری سلطه بر جهان اسلام و به خصوص خاورمیانه است. (خامنهای، 1390، 110)

به نظر می‌رسد که صهیونیست ها به اشغال فلسطین و جنایات انجام گرفته در آن جا بسنده نکنند بلکه اشغال فلسطین را گام نخست جهت رسیدن به مطامع و اهداف خویش میدانند، بنابراین اقدام بعدی آن‌ها سیطره بر کشورهای خاورمیانه است که در این خصوص، هماهنگی های لازم را با قدرت های استکباری به ویژه آمریکا پدید آورده اند و با نفوذ بر کشورهای خاورمیانه و سیطرهی کامل بر آنها، برای انحراف حکومت و مردم این کشورها می‌کوشند. (جدید بناب، 1386، 182)

اکنون نیز تلاش آمریکا بر این متمرکز است که رژیم صهیونیستی را فاقد تهدید در عرصهی سیاست منطقه‌ای جلوه داده و زمینه‌های همکاری عربی- عبری را فراهم آورد و برقراری روابط ال سعود و ال خلیفه با رژیم صهیونیستی شروعی خواهد بود بر عادی سازی روابط سایر کشورهای عربی منطقه با این رژیم غاصب، البته واکنش به هنگام و موضع گیری شفاف ملتهای عربی و سایر دولتهای اسلامی در محکوم کردن چنین روابط سازشکارانهای، میتواند عامل بازدارندهای در این زمینه باشد.

بنابراین رویکرد همگرایانهی کشورهای اسلامی نسبت به قضیهی فلسطین و موضع گیری واحد آنان در این مساله، نه تنها منجر به خروج اشغالگران از قدس شریف میشود بلکه خطر و تهدیدی جدی علیه کشورهای اسلامی منطقهی خاورمیانه و به تبع آن تهدیدات کلی ضد اسلامی را در همه بلاد اسلامی برطرف نموده و زمینهی جهانی شدن دین اسلام را فراهم میآورد.

5. اقتدار مسلمین و پیشگیری از توسعه طلبی یهود

اسلام دین قوت و قدرت است. ویل دورانت در تاریخ تمدن خویش می‌گوید: هیچ دینی به اندازهی اسلام امت خویش را به قوت و قدرت نخوانده است. (مطهری، 1400، 93) نبی مکرم اسلام9 نیز در این خصوص می فرمایند: «انّ َ ا َعِزّ َ أُمّ َتی بِسَنابِکَ خَیلها وَ مَراکزِ رِماحِها؛ خداوند امت مرا به وسیله سم اسب‌ها و فروگاه نیزه ها عزیز ساخت». (ابن بابویه، 1376، 577) و نیز ایشان می‌فرمایند: «الخیرُ کُلّ ُه فی السّ َیفِ و تحتَ ظِلّ ِ السّ َیفِ» تمام خیر و برکت در شمشیر و زیر سایه شمشیر است. (ابن بابویه، 1376، 578) و یا « ..اِنّ َ ا َبوابَ الجَنّ َه ِ تَحتَ ظِلالِ السّ ُیُوفِ؛ ..

همانا درهای بهشت زیر سایهی شمشیرهاست». (ابن سوره، بی تا، 159).

در واقع این روایات بیانگر آن است که مظاهر قدرت نمایی مسلمانان در سایهی همگرایی آنان در جهت تأمین اهداف و منافع مشترک، میتواند هیمنهی پوشالی استکبار و سلطه گران را در هم شکسته و هر گونه توطئهای از سوی آنان را علیه ممالک اسلامی با شکست مواجه نماید، چراکه اکثر صدمهها و لطمههایی که بر پیکرهی جهان اسلام وارد شده به طور عمده ناشی از ضعف ارادهی جمعی آنان است. مسلمانان اراده نکردند که انرژی درونی خود را به مستکبران و قدرتهای شیطانی نشان دهند. در حالی که آنان میتوانند در برابر تجاوزات و اهریمنهای قدرتهای شیطانی ارادهی بالنده و مقاومی نشان دهند و دشمن را ناکام نمایند. (نوایی، 1386)

در واقع وحدت جهان اسلام، فراهم کننده قدرتی حقیقی است که میتواند پس از اعتقاد به خداوند متعال، تکیه گاه استواری برای مسلمانان در برابر متجاوزان باشد. زیرا اگر چه مسلمانان از نیروی عظیم انسانی، امکانات مادی فراوان، موقعیتهای استراتژیک مهم، روحیهی معنوی بالا و فرهنگ و دیدگاه اعتقادی و فکری پیشرفتهای در نگرش به زندگی برخوردار هستند، اما چنانچه میان این اجزا و عناصر پراکنده هماهنگی ایجاد نشود، این مجموعهی عظیم بیش از طعمهای در چنگال دشمنان نخواهد بود. (صیادنژاد، 1387)

سیرهی رسول اکرم 9 نیز بیانگر آن است که یکی از برخوردهای ایشان در برابر دشمنان خارجی و تعاملهای ستیزه جویانهی برخی از آنها تنها به واسطهی قدرت نمایی اسلامی صورت گرفته و حضرت نیز این قدرت نمایی را به واسطهی قوای اسلام، تنها زمانی آغاز کردند که دامنهی وحدت و انسجام میان مسلمانان بر تمامی شبه جزیره گسترده شده بود. باید توجه داشت که این قدرت نمایی در صدر اسلام بدون ایجاد تفاهم و وحدت همگانی میان مسلمانان، امری غیر ممکن بود. (ارجمندفر، 1387)

اسلام دین نیرومندی است و خداوند در قرآن میفرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِن رِباطِ الخَیلِ... ؛ برای مقابله با آنها (دشمنان) هر چه در توان دارید از نیرو و اسبان ورزیده آماده کنید..». (انفال/60) یعنی به جامعهی اسلامی دستور میدهد که در مقابل دشمن آن چه در استطاعت دارند، تهیه کنند. به همین دلیل قرآن میگوید مسلمانان باید آن قدر نیرومند باشند که هر جمعیت غیر مسلمانی وقتی مسلمانها را میبیند، رعب آنها در دلشان ایجاد بشود. برای این که خیال تجاوز به ذهنشان خطور نکند. از طرفی قرآن هرگز نیرو را برای تجاوز توصیه نمیکند. چون میگوید: «...وَ لا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلی أَلاَّ تَعْدِلُوا؛ دشمنی با قومی، شما

را به گناه و ترک عدالت نکشاند...» (مائده/8) ولی قدرت و نیرو را برای ممانعت از تجاوز دیگران ضروری می‌داند. (مطهری،1370، 237) چرا که بدون قدرت کافی، حیات جامعه‌ی اسلامی در نظام ناعادلانه و ظالمانهی جهانی با چالش جدی روبرو خواهد شد.

بدین ترتیب نبی مکرم اسلام9 به قدرت نمایی و هم پوشانی مسلمانان اشاره نموده و می‌فرمایند: «مَثَلُ المُومِنینَ کَمَثَلِ البُنیان یُمسِکُ بَعضُه بعضاً و یَشُدّ بَعضُهُ بعضاً؛ مثل مومنین در میان هم به مقولهی ساختمانی است که اجزایش همدیگر را حفظ می‌کنند و محکم نگه می‌دارند». (ابن أبی جمهور، 1405، ص376) یعنی صف آرایی مسلمانان در برابر دشمنان برای حفظ منافع مادی و معنوی آنان و گسترش اسلام ضروری است؛ پس مسلمانان سرتاسر عالم باید نسبت به یکدیگر همچون زنجیره‌ای به هم پیوسته باشند و تنها در این صورت است که می‌توانند همچون سدّی نفوذ ناپذیر، ضربات وارد شده بر پیکر مسلمانان را تحمل نموده و بدون آسیب جدی به راه خویش ادامه دهند و البته که در سایه‌ی این قدرت نمایی جهانی می‌توانند علاوه بر نقش تدافعی در برابر متجاوزان، به عامل پیشگیرانهای در جهت حفظ منافع امت اسلامی مبدل شوند و بدون شک مسالهی فلسطین با اهمیت والایی که برای دنیای اسلام دارد، می تواند انگیزهی بسیار زیادی برای همگرایی مسلمانان عالم و شروعی برای مانور عظیم قدرتی-دفاعی در برابر زیاده خواهی دشمنان خصوصا اسرائیل غاصب و یهود سلطهگر باشد؛ به طوری که تنها بازپس گیری فلسطین میتواند اقتدار مسلمین را در جهان بازگردانده و فکر تجاوز به مسلمانان را از سر مستکبران بیرون نماید.

نتایج:

با توجه به بررسیهای به عمل آمده در این پژوهش، مسالهی رهایی فلسطین میتواند در جهت تامین منافع کلان جهان اسلام و از جنبههای ذیل، به صورت نماد همگرایی مسلمانان مطرح شود:

1- پاسداشت معنوی مسلمانان نسبت به بیت المقدس

2- تشکیل امت واحده

3- صیانت از ارزشهای الهی و انسانی در مقابله با صهیونیستها

4- وجوب جهاد دفاعی در آزادسازی فلسطین

5- استکبارستیزی

6- ممانعت از شکل گیری خاورمیانهی جدید

7- پیشگیری از توسعه طلبی یهود

نتیجه گیری

بنا برآنچه گذشت؛ همگرایی جهان اسلام به عنوان یک ضرورت راهبردی در عصر حاضر، باید عامل اساسی سیاستگذاری کشورهای اسلامی قرار گیرد. بدون تردید مسالهی فلسطین در ایجاد و حفظ یکپارچگی مسلمین اولویت ویژهای داشته و یکی از مهمترین عوامل همگرایی جهان اسلام در برابر توطئههای دشمنان و مستکبران عالم است. در واقع نوع موضع گیری مسلمانان در قبال اشغال فلسطین به عنوان نخستین سرزمین اسلامی مورد هجوم دشمنان، نقش تعیین کنندهای در سرنوشت جهان اسلام خواهد داشت و دومینوی شکست و یا پیروزی مسلمانان در مقابل مستکبران را رقم خواهد زد.

بررسیها در قضیهی فلسطین نشان میدهد که عوامل و انگیزههای دنیوی و اخروی بسیاری برای حمایت کشورهای اسلامی از انتفاضهی فلسطین وجود دارد؛ بلکه به نظر میرسد راه برون رفت جهان اسلام از طمع بیگانگان و بدخواهان تنها از مسیر قدس میگذرد و کشورهای اسلامی باید بدانند اگر امروز برای حمایت از فلسطین برنخیزند چندی دیگر باید شاهد درگیریهای مشابه آنان و بلکه سختتر و گستردهتر در کشور خودشان باشند.

میتوان گفت ریشهی سستی مسلمانان در حمایت یکپارچه از مردم فلسطین، از یک سو به سیاستهای استعمار و استکبار در القاء تفرقه و نژادپرستی و ایجاد دوقطبی سنی و شیعه در بین مسلمانان برمیگردد و از طرف دیگر متوجه سیاستهای غلط سران مزدور برخی کشورهای اسلامی و وابستگی آنان به غرب خصوصا امریکاست.

در حالی که دفاع از کیان اسلام و مسلمین، امر مقدسی است که هیچگونه اختلاف نظر فقهی در وجوب آن میان فرقهها و مذاهب اسلامی وجود ندارد و حتی بذل جان و مال نیز در این راستا و در قالب جهاد و شهادت از افتخارات مسلمین محسوب میشود؛ اما بیتوجهی برخی کشورهای اسلامی و اخیرا همدست شدن سران آنان با امریکا و اسرائیل، پدیدهی شومی است که دامنگیر مسلمانان به خصوص اعراب شده و ننگ چنین

اعمالی امت اسلامی را در داغ تازهای قرار داده است. در این شرایط حساس باید همهی مسلمانان هویت اسلامی خویش را احیا نموده و به اصول فکری، دینی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی اسلام ناب محمدی 9تمسک نموده و راه خویش را از سردمداران مزدور به ظاهر اسلامی کشورشان جدا سازند.

بدون شک اکثریت مسلمانان نسبت به کتاب و سنت الهی پایبند هستند و اگر همه با هم یک دل و یک صدا شوند می توانند در رهایی زودهنگام قدس شریف نقش موثری داشته باشند و آن اقلیت خودفروخته را نیز در این راه مجاب نموده و یا از سر راه بردارند؛ چرا که رسول اکرم 9میفرمایند که « اُنصُر اَخَاکَ ظَالِمَاً اَو مَظلُومَاً، نَصَرتُهُ مَظلوماً فَکَیفَ اَنصُرُهُ ظَالِمَاً؟ قَالَ: تَکُفُّهُ عَن الظُلمِ فَذاک نَصرُک اِیاه؛ برادرت را چه ظالم باشد و چه مظلوم یاری کن.... و بازداشتن ظالم از ظلم خویش همان یاری اوست» (ابن سوره، 1408، 453)

بنابراین آنچه در مسالهی همگرایی مسلمانان اهمیت به سزایی دارد و نقطهی عطف رهایی فلسطین و عزت و شوکت جهان اسلام است؛ حساس نمودن ملتهای مسلمان نسبت به اهمیت آزاد سازی قدس شریف و دامنه دار بودن اشغالگریهای اسرائیل و زیادهخواهیهای امریکا و عمال آنان میباشد؛ به طوری که بار آزادسازی بیت المقدس تنها بر عهدهی مسلمانان فلسطین نباشد بلکه عموم مسلمین در آزاد سازی قدس، به صورت یک حرکت بین المللی اسلامی نقش آفرینی کنند و در حرکتهای خود جوش با تحریم های اقتصادی و سیاسی اسرائیل و مبارزات اعتراضی و به تصویر کشیدن چهرهی ددمنشانهی رژیم کودک کش صهیونیستی، موج مخالفت خویش را حتی با تصمیمات سخیف اتحادیهی عرب و برخی دولتهای دست نشاندهی اسلامی، به صورت بین المللی ابراز کرده و اعلام آمادگی خویش را نسبت به بازپس گیری قدس، به گوش جهانیان برسانند و مشت محکمی بر زیادهخواهی امریکا و اسرائیل باشند.

تنها در این صورت است که حتی دولتهای خودفروختهای همچون ال سعود و ال خلیفه و.. که دست سازش و ذلت به سوی نظام سلطه دراز نمودهاند نیز چارهای جز هماهنگی با امت اسلامی نخواهند داشت و یا در صورت اصرار بر مواضع سازشکارانهی خویش، محکوم به سرنوشت اسرائیل و سرنگونی خواهند بود.

امید که واکنش شدید مسلمانان در اعتراض به یاوهگوییهای اخیر ترامپ در به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت اسرائیل، زنگ بیدارباشی بر غفلت دهها سالهی جهان اسلام از فلسطین اشغالی و نقطهی عطفی در همگرایی مسلمانان سراسر عالم برای ریشه کن کردن اسرائیل از صفحهی روزگار باشد.

منابع

· قرآن کریم،(1387)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، اسوه.

1. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (1405)، عوالی اللئالی العزیزه فی الاحادیث الدینیه، قم، دار سید الشهداء للنشر، ج1.

2. ابن بابویه، محمد بن علی، (1376)، الامالی (للصدوق)، تهران، کتابچی.

3. ابن بابویه، محمد بن علی، (1413)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج3.

4. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، (1404)، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.

5. ابن طاووس، علی بن موسی، (1416ق)، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، قم، موسسه صاحب الامر(عج).

6. ابوطالبی، مهدی، (1384)، "نقش فرهنگ سیاسی شیعه در انقلاب اسلامی"، فصلنامه معرفت، سال چهاردهم، ش98، ص23-10.

7. احمدی میانجی، علی، (1419)، مکاتیب الرسول(ص)، قم، دار الحدیث، ج3.

8. ارجمندفر، سعید (1387)، "مبانی تقریب نظری در قرآن و سنت"، فصلنامه راه تربیت، سال دوم، ش6، ص79-99.

9. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه،(1415ق)، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ج5.

10. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (1374)، قم، موسسه بعثه، ج2.

11. برقی، احمد بن محمد، (1371ق)، المحاسن، قم، دار الکتب الاسلامیه، ج1.

12. پاک نیا تبریزی، عبد الکریم، (1387)، "ویژگی‌های یهود در قرآن"، ماهنامه شمیم یاس، سال هشتم، ش67، ص30-31.

13. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (1366)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات.

14. توئمی منصوری، امیر حسین، (1385)،" تقدس بیت المقدس در اسلام"، فصلنامه 15 خرداد، سال سوم، ش10، ص282-296.

15. ثقفی، ابراهیم،(1395ق)، الغارات، تهران، انجمن آثار ملی، ج2.

16. جدید بناب، علی، (1386)، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

17. حاجتی، آمنه، (1387)، "مسجد الاقصی"، ماهنامه موعود، سال سیزدهم، ش93، ص62-63.

18. حمد الفتلاوی، مهدی، (1385)، سقوط اسرائیل، ترجمه: محمد باقر ذو القدر، قم، موسسه بوستان کتاب.

19. خامنه‌ای، علی، (1390)، فلسطین، به کوشش سید صالح میرزایی، تهران، انقلاب اسلامی.

20. دروزه، محمد عزت، (1383ق)، التفسیر الحدیث، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ج3.

21. رفیعی، محمد حسین (1387)،" نقش قدرت‌های سیاسی در گسترش اختلافات مذهبی"، فصلنامه راه تربیت، سال دوم، ش6، ص123-147.

22. سیدی، سید حسین (1386)، "مولفه‌های وحدت در اندیشه اسلامی"، دو ماهنامه اندیشه حوزه، سال

سیزدهم، ش67-68، ص81-88.

23. شجاعی، هادی، (1389)،" اهداف و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه معرفت، سال نوزدهم، ش153، ص23-40.

24. شیرودی، مرتضی (1385)، فلسطین و صهیونیسم، بی جا، اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

25. صیاد نژاد، علی رضا (1387)، "استراتژی تقریب کشورهای اسلامی و راهکار گفتگو"، فصلنامه راه تربیت، سال دوم، ش6، ص149-183.

26. قاسمی، بهزاد (1393)، "مسأله شناسی چالش‌های اساسی جهان اسلام از نظر امام خمینی(ره)"، فصلنامه پانزده خرداد، سال یازدهم، ش39، ص125-101.

27. القزوینی، الحافظ ابی عبدا، (بی تا)، سنن ابن ماجه، بی جا، دار احیاء التراث العربی، ج2.

28. کاشفی، محمد رضا (1387)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، جامعه المصطفی العالمیه.

29. کلینی، محمد بن یعقوب، (1407ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج2.

30. گروه اقتصاد، (1386)، "وحدت مسلمین راهبرد دفاع از قدس شریف"، دو ماهنامه اندیشه حوزه، سال سیزدهم، ش67-68، ص213-234.

31. لابی عیسی محمد بن عیسی بن سوره، (1408)، سنن ترمذی، بیروت، دار الفکر، ج4.

32. مازندرانی، محمد هادی، (1429ق)، شرح فرو ع الکافی، قم، دار الحدیث للطباعه و النشر، ج4.

33. مجلسی، محمد باقر، (1403ق)، بحار الانوار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ج96 و ج31.

34. مطهری، مرتضی (1370)، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، صدرا،ج2.

35. مطهری، مرتضی (1400ق)، قیام و انقلاب مهدی(عج)، قم، صدرا.

36. نوایی، علی اکبر (1386)، "انسجام اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری"، دو ماهنامه اندیشه حوزه، سال سیزدهم، ش67-68، ص4-32.

37. نوری، حسین،(1408ق)، مستدرک الوسائل، قم، موسسه ال البیت، ج11.

38. وزیری کرمانی، محمد حسن، (1359)، اسرائیل فاشیسم جدید، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

39. وزیری کرمانی، محمد حسن، (1359)، "مروری بر پیامدهای سیاسی- اجتماعی بیداری اسلامی"، فصلنامه پژوهش‌های منطقه ای، سال سوم، ش9، ص141-161.

40. روحانی، سید حمید،(1390)، "شاه و رژیم صهیونیستی(1)"، فصلنامه پانزده خرداد، سال نهم، ش29، ص207-179.

41. خامنهای، سید علی،(1390)، توهم سلطه، تهران، انقلاب اسلامی.

42. نصوری، محمدرضا،(1385)، "پیوند و همکاری متقابل بهائیت و صهیونیسم"، فصلنامه انتظار موعود، سال ششم، ش18، ص258-229.

43. کریمی، الهه، ریحانه، رفیعی،(1387)، فلسطین برای فلسطینی است، تهران، موسسه فرهنگی شهید آوینی.

44. محدثی، جواد،(1387)، فلسطین، قم، بوستان کتاب.

. زکیه خاکسار، طلبه سطح سه و کارمند بخش پژوهش مکتب نرجس (سلام ا علیها) مشهد[1]